

بررسی تعاملات عربستان با شورای حقوق بشر

عباسعلی طالبی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

رضا جلالی^۱

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

امیرساجدی

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت ۹۷/۶/۱۹ - تاریخ تصویب ۹۷/۱۱/۲۰)

چکیده

متعاقب تأسیس شورای حقوق بشر در مارس ۲۰۰۶، وضعیت حقوق بشر در عربستان در موارد متعددی مورد توجه این نهاد نوظهور قرار گرفت. با توجه به گستردگی، صلاحیت و حساسیت شورا نسبت به نقض حقوق بشر در عربستان این سوال مطرح شد که سازوکارهای نظارتی و مکانیسم‌های اجرایی شورا چه تأثیری بر تغییر رفتار آل سعود نسبت به رعایت حقوق زنان در درون مرزهای ملی داشته و عربستان تا چه میزان همسو با ایده جهان شمولی حقوق بشر بوده و چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است؟ در پاسخ به سوال فوق این فرضیه مطرح شده که به نظر می‌رسد سازوکارهای نظارتی و مکانیسم‌های اجرایی شورای حقوق بشر، عربستان را ملزم به انجام اصلاحات حقوق بشری کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اولاً ارائه توصیه‌های کشورهای درقبال گزارش‌های ادواری و تعیین گزارشگران ویژه اثرگذاری قابل قبول تری بر ارتقاء وضعیت حقوق زنان داشته، ثانیاً بافت سنتی که برتار و پود فکری و اندیشه مردم و مسئولین جامعه تنیده شده بود و مانعی جدی بر احقاق حقوق زنان محسوب می‌شد، درحال بازسازی است. ثالثاً تلاش زنان و همسو شدن آنها با فشارهای شورای حقوق بشر و رسانه‌ها، پایه‌گذار نظم نوینی شده که مشخصه آن تغییر نظام جنسیتی خواهد بود.

کلید واژه‌ها: شورای حقوق بشر، حقوق زنان، اصلاح قوانین، گزارش ادواری، عربستان.

Email: dr rezajalali@yahoo.com

^۱ نویسنده مسئول:

فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۷، صص. ۹۷ - ۱۲۷.

مقدمه

متعاقب تأسیس شورای حقوق بشر در مارس ۲۰۰۶ و تحولاتی که با سازوکارهای نظارتی و مکانیسم های اجرایی در برخورد با کشورها رخ داد، تغییراتی را در ساختار سیاسی و اجتماعی برخی از کشورها به وجود آورد. اگرچه این تحولات نتوانست به طور اساسی در برخی کشورها تغییرات عمیق و ساختاری ایجاد کند اما توانست بر بعضی از حکومت هایی که قوانین حقوق بشری را نادیده می گرفتند، شوکی را ایجاد کند که به واسطه آن موج تغییرات می توانست در صورت عدم بازبینی ساختاری در سیاست های اعمالی بر شهروندانشان به سرعت آغازگر تجمعات اعتراضی در این کشورها گردد. عربستان از جمله کشورهایی بود که شاید با وجود داشتن پتانسیل فراوان تحولات، تغییرات اساسی در ساختار آن صورت نپذیرفت، اما فشارها و نقدهای حقوق بشری سازمانهای بین المللی از یک سو و مطالبات و گرایش های حقوق بشری در این کشور از سوی دیگر سبب شده تا حقوق بشر به عنوان تهدیدی بزرگ برای نظام حقوقی و سیاسی این کشور درآید (Sajedi, 2018: 73). در راستای کاهش تهدیدات، نظام سیاسی عربستان ملزم به برداشتن گام هایی در جهت سازش و همکاری با این نهاد نوظهور شد و در صدد تغییر چهره خود در تعاملات جامعه جهانی برآمد و برای این منظور در دو سطح داخلی و بین المللی در مقابل تحولات حقوق بشری واکنش نشان داد و سعی نمود تا حدودی کشورش را از موج تحولات و اجماع جهانی علیه خود در امان نگه دارد و در بُعد داخلی با انجام اصلاحات از بالا از انباشت مطالبات جلوگیری نماید.

نظام سیاسی سعودی از آغاز دهه ۱۹۹۰، سه اصلاح کلی و روبنایی را انجام داده است: ایجاد مجلس شورا (رحمانیان، ۱۳۹۱:۱۶۷)، انجام گفتگوی ملی (عنایتی و راکی، ۱۳۹۱:۴۷) و سازماندهی انتخابات (اسدی، ۱۳۹۱:۲۱۵). در دوران ملک عبدالله روند اصلاحات و تغییرات در مطالبات سیاسی، اجتماعی و مفهوم حقوق شهروندی گسترده تر شد. برخی از کارشناسان براین باورند که هدف دولت سعودی از انجام اصلاحات، استفاده از آن به عنوان ابزاری جدید برای مقابله با فشارهای خارجی، چالش های داخلی، حفظ قدرت خاندان

حاکم و ثبات سیاسی در این کشور است. اصلاحات حقوق بشری در دوره ملک سلمان در شمار مهمترین موضوعات در دستور کار حاکمیت عربستان قرار گرفت و اهمیت و حساسیت روز افزون این موضوع باعث تغییرات اجتماعی در جهت گشایش فضای سیاسی و تغییر وضعیت حقوق بشر در جامعه عربستان شد. هنگامی که زنان عربستان سعودی را مرکز توجه قرار می‌دهیم تصاویر و یا اظهارات کلیشه‌ای از زنان مانند قربانیان خشونت (Hamdan, 2005: 61)، تحت قیمومیت مردان (Shannon, 2014)، نظارت خانواده (Al-Rasheed&Azzam, 2012: 7) و تبعیض جنسیتی (Gorane, 2016) در میان مردم و محققین بطور گسترده به چشم می‌خورد که از واقعیت کمی دور است. هیچکدام از پژوهشگران بطور جدی و موردی به فرآیند تحول حقوق زنان عربستان در دهه اخیر نپرداخته و یا کمتر پرداخته اند و تحقیقات صورت گرفته به روایت های سنتی از وضعیت زنان و ارزش های محافظه کارانه حکومت توجه نشان داده اند و عملاً جریان تغییرات اجتماعی با محوریت زنان مغفول مانده است. شاید مغفول ماندن تغییرات اجتماعی به دلیل اتفاق متأخر و یا همان چهره کلیشه ای از آن وضعیت باشد. آنچه در حال وقوع است به ظاهر حکایت از تغییراتی دارد که بر زندگی زنان و مسئولیت اجتماعی آنها تأثیر فراوانی گذاشته است.

دومینوی تغییرات به سوی زنان مانند صدور فتوا، حضور در ارتش، ورود به ورزشگاه، اجازه رانندگی، مجوز کسب و کار، حضور در شوراهای محلی و پست‌های مدیریتی به حدی بوده که برای برخی فعالان مذهبی و سیاسی، شکل‌گیری شرایط جدید؛ چالش‌های زیادی را فراهم کرده است. تغییراتی که در ابتدا با انتقاد تند وهابیون سلفی روبه‌رو شد اما به دلیل این که طبق قانون اساسی عربستان، سخن پادشاه و تأیید وی بر تمامی فتواها ارجحیت دارد، با مصالحه خاتمه یافت. محتوای این برنامه‌ها در بخش‌های مرکزی با تبعات و واکنش‌های بسیاری همراه بوده ولی در ریاض و جده با استقبال مواجه شد و در نهایت کلیه تغییرات و یا اصلاحات صورت گرفته مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است. علت مورد توجه قرار گرفتن این مساله را می‌توان گفت که از یک طرف برجستگی این برنامه‌ها به

دلیل تمرکز برحوزه ای است که سال ها نماد جامعه بسته سعودی محسوب می شد که این کشور را در گیر و دار تنگنای بی سابقه حقوق بشری در سطح جهان و منطقه قرار داده بود و از طرف دیگر آل سعود همواره در تلاش بوده جایگاه خود را بین شعارها و مطالبات تحول خواهانه حفظ کند و ضمن تعامل با دستگاه نیرومند مذهبی کشور، همواره از علمای وهابی برای جهت دادن به حرکت جامعه سعودی در راستای مشروعیت نظام حاکم و نزدیک ماندن به جامعه، برنامه های خود را با رضایت ضمنی و یا سکوت قهری دستگاه وهابی پیش ببرد. در واقع حکومت عربستان برغم مشکلات فراوان، در انطباق با شرایط نوین، ثبات جامعه سعودی را در الویت قرار داده است (AL_Rasheed, 2001: 23).

این مقاله درصدد پاسخ به این سوال است که سازوکارهای نظارتی و مکانیسم های اجرایی شورای حقوق بشر چه تأثیری بر تغییر رفتار آل سعود نسبت به رعایت حقوق زنان در درون مرزهای ملی داشته و عربستان تا چه میزان همسو با ایده جهان شمولی شورای حقوق بشر بوده و چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است؟ در پاسخ به سوال فوق این فرضیه مطرح شده که به نظر می رسد سازوکارهای نظارتی و مکانیسم اجرایی شورای حقوق بشر عربستان را ملزم به انجام اصلاحات و تن دادن به برخی از اقتضائات حقوق بشری کرده است.

۱- چهارچوب نظری

حوزه مطالعاتی حقوق بشر بر مجموعه ای از مفاهیم مبتنی است که تحولات نظری گوناگونی را تجربه کرده است. توجه به مکاتب روابط بین الملل به ویژه نظریه سازه انگاری در مطالعه حقوق بشر، از آن رو مهم است که این نظریه، رهیافتی انسان محور دارد (جکسون، ۱۳۸۸: ۱۸۱). سازه انگاران کانون بحث خود را در روابط بین الملل به انگاره های معانی، قواعد، رویه ها و هنجارها معطوف کرده اند (مشیر زاده، ۱۳۹۱: ۳۲۳). به نظر آنها این نظام های معنایی هستند که تعریف می کنند که کنشگران چگونه باید محیط خود را تفسیر کنند (Delaney, 2000: 144). سازه انگاران، جهان و از جمله جامعه بین المللی را یک پروژه "برساختن بی پایان" می دانند که برساختن آن بر زمینه ای از ادراکات و

تلقی‌های زمینه مند فراهم می‌آید (Adler, 1997: 319). مکتب سازه انگاری، نقش مستقل هنجارها و انگاره‌ها را در سامانه بین‌المللی و پیامدهای سیاسی و داخلی روشن می‌کند. آنها توجه خود را از این که دولت‌ها منافع خود را دنبال می‌کنند و تغییر می‌دهند و همین منافع را در نخستین جایگاه و موقعیت در چهارچوب هنجارها و انگاره‌ها تعریف می‌کنند، مشخص می‌سازند. این هنجارها و انگاره‌ها، تأثیر تنظیمی پیرامون ساخت هویت کنشگران را باز تعریف می‌کنند. هویت حقوق بشری، امروز مرزهای خودی و غیرخودی را در لیبرالیسم ترسیم کرده است. همچنین هنجارهای حقوق بشری به ما کمک می‌کنند که گروه بندی دولت را بشناسیم. امروزه شاهد برساخته شدن کلپ لیبرال در ورای هنجارهای حقوق بشر بین‌الملل هستیم؛ به این معنا که در این میان، اتحادیه اروپا، معیاری برای کلپ لیبرال است و هر کشوری که خواهان پیوستن به این کلپ باشد، ناچار به پیروی از هنجاری حقوق بشر بین‌الملل است.

سازه انگاران از یک طرف تأکید خویش را روی روابط بین‌الادھانی حقوق بشر قرار می‌دهند که در سطحی گسترده میان مردمان کشورهای توسعه یافته مشترکند و برای نمونه، هویت‌های ملی را به صورت ساخت‌بندی‌های اجتماعی در نظر می‌گیرند و از سوی دیگر، براین باورند که منافع و هویت، به صورتی که آنان خویشتن را در یک روابط با دیگران درک می‌کنند، از طریق همان اعتقادات مشترک شکل می‌گیرند و تبیین می‌شوند. از نظر سازه انگاران مهم‌ترین عامل و متغیر مستقلی که رفتار حقوق بشری کشورها را تعیین می‌کند، انتظارات ارزشی بینادھنی در باره رفتار مناسب، یعنی هنجارهای فراملی و ملی است که کشورها با آن مواجه هستند. هنجارهای فراملی، تبیین‌کننده و عامل رفتارهای یکسان یک کشور و همچنین تمایز و تفاوت رفتاری آن در سطوح بین‌المللی است. سازه انگاری در مطالعه حقوق بشر به دنبال این مساله است که چطور ارزش‌های حقوق بشری برساخته می‌شود و ضمن نظریه پردازی کردن آن، به نوعی تحلیل بینادھنی از مفاهیم حقوق بشری دست می‌یابد (ذاکریان و مختاری، ۱۳۹۳: ۶۵).

۲- شورای حقوق بشر و تحرکات حقوق بشری عربستان

نقطه عطف تحولات حقوق بشری در نظام ملل متحد تأسیس شورای حقوق بشر در سال ۲۰۰۶ میلادی براساس تصمیم اجلاس سران مجمع عمومی بوده است. تأسیس شورا نه تنها تلاشی در جهت ارتقای ساختاری موضوع حقوق بشر در نظام ملل متحد بود بلکه نشانگر تلاش دیدگاههای مختلف در سطح جهانی برای برخورد با کاستی‌ها و چالش‌های کمیسیون حقوق بشر تلقی می‌شود (ظریف، ۱۳۹۵: ۷۱۹). وظیفه اصلی شورا، نظارت بر اجرای مفاد منشور حقوق بشر در کشورهای عضو سازمان ملل متحد است. در مواردی که مسأله‌ای وجود داشته باشد این شورا می‌تواند نمایندگانی را با توجه به سازوکارهای نظارتی برای بازدید از وضعیت اعزام کند (بزرگمهری و جان نثارملکوتی، ۱۳۹۵: ۱۴۶). شورای حقوق بشر همچنین مسئولیت ارتقاء احترام جهانی برای حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، صرف نظر از هر نوع تمایز و به شیوه‌ای عادلانه و برابر و همچنین رسیدگی به وضعیت‌های ناقض حقوق بشر از جمله نقض فاحش و نظام مند و ارائه توصیه در این خصوص را بر عهده دارد. دو مورد از مهمترین موارد ماموریت شورا یعنی بررسی گزارش‌های ادواری و مشارکت در زمینه پیش‌گیری از نقض حقوق بشر از طریق گفتگو و همکاری سریع در موارد اضطراری می‌باشد (A/RES/60/251). براین اساس، مهمترین سازوکارهای پیش‌بینی شده برای شورای حقوق بشر عبارتند از مکانیسم بررسی‌های دوره-ای جهان شمول و رویه‌های ویژه.

به هنگام مرور تحلیلی و تاریخی چگونگی فعالیت پادشاهی عربستان در خصوص نظام حقوق بشر می‌توان اظهار نمود که دو نوع رویکرد قابل رویت است.

رویکرد اول: شامل مجموعه اقدامات دولت عربستان در فرایند پذیرش اصول حقوق بشر جهانی است که از سال ۱۹۴۶ شروع و تا سال ۱۹۹۰ ادامه می‌یابد. در این دوره عربستان نسبت به جهان شمولی حقوق بشر اعتراض داشت و رویکردی که بر سیاست حقوق بشری عربستان مسلط بود، حقوق بشر را بر اساس قوانین داخلی و حداقلی جستجو می‌کرد و برای حقوق بشر مطرح شده در کنوانسیون‌های قراردادی و قواعد عرفی بین‌المللی اعتباری قائل نبود و وقتی به ابراز نگرانی کشورها در مجامع نمی‌گذاشت. این کشور همواره اعلامیه

جهانی حقوق بشر را نه در جایگاه منکر حقوق بشر که در جایگاه ناقد درون مایه آن نمی- پذیرفت. از نظر عربستان، حقوق بشر باید با استناد به ارزش‌ها و اندیشه‌های داخلی تفسیر و تعریف گردد. قوانین داخلی ممکن است با هنجارهای حقوق بشر متفاوت باشد ولی مادون آن نیست و نباید نادیده انگاشته شود.

رویکرد دوم: از دهه ۱۹۹۰ به بعد که عربستان از مقاومت اولیه عقب نشینی کرده و به تدریج به کنوانسیون‌های حقوق بشری ملحق می‌گردد. برخورد سلبی عربستان با قراردادها و کنوانسیون‌ها و ارکان حقوق بشر در این دوره تحت تأثیر شدید فضای جهانی شدن حقوق بشر و بعد ها با مکانیسم‌های نظارتی آن تغییر ماهیت داده و به تدریج به یک برخورد معتدل و اثباتی تبدیل شد. مهم‌ترین اسناد حقوق بشر که تاکنون عربستان بدان ملحق گردیده و یا آنرا مصوب نموده عبارتند از: کنوانسیون منع هرگونه شکنجه در ۱۲۳ اکتبر (۱۹۹۳)، کنوانسیون حقوق کودک در سال (۱۹۹۶)، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی در ۲۱ اکتبر (۱۹۹۷)، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در سپتامبر (۲۰۰۰)، پروتکل اختیاری در مورد فروش کودکان (۲۰۱۰)، پروتکل اختیاری در مورد مشارکت کودکان در مخاصمات مسلحانه، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، کنوانسیون جلوگیری از کشتار دسته جمعی و کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته.

عربستان در دوره ملک عبدالله با درک منافع مثبت ناشی از همکاری فراملی و افزایش روز افزون هزینه دور ماندن از گردونه همکاری‌ها و ائتلاف‌ها ناگزیر شد با نهاد های حقوق بشری علیرغم میل باطنی همکاری کند و به الزامات حقوق بشر تن دهد. بدین ترتیب زمینه تعامل آل سعود قبل از تشکیل شورا با حضور در جلسات شروع شد. عربستان سعودی در قالب کشورهای اسلامی، با تعدیل دیدگاه‌های قبلی، نظرات خود را در خصوص شورای حقوق بشر مطرح نمود و در جلسات رایزنی‌های مربوط به تدوین قطعنامه تأسیس شورای حقوق بشر پیشنهادهای گوناگونی در زمینه مباحثی مانند اهداف، وظایف، اختیارات و سازوکارهای اجرایی شورای مزبور مطرح ساخت. عربستان از جمله کشورهایی بود که با

اعلان رای مثبت به قطعنامه تصویب شورا، فصل تازه ای از روابط خود را با این نهاد نوظهور آغاز کرد و تاکنون دو بار از گروه آسیایی جهت عضویت در شورا نامزد انتخاباتی شد و هر دو بار علیرغم نقض مکرر حقوق بشر و معدل پایین در رعایت آن موفق به این امر مهم شد. اگرچه این انتخاب مورد اعتراض افکار عمومی، رسانه‌ها و نهادهای غیر دولتی مانند عفو بین‌الملل و فعالان حقوق بشر قرار گرفت ولی با تهمیدات برخی از کشورها و نیازهای مالی شورا با اعلام انجام اصلاحات در چهارچوب توصیه‌های شورا و تمکین از دستورات آنها شرایط را برای حضور عربستان در شورا فراهم کردند. برخی از کارشناسان بر این باورند که هدف دولت سعودی از انجام اصلاحات استفاده از آن به عنوان شیوه ای جدید برای مقابله با فشارهای خارجی و چالش‌های داخلی، حفظ قدرت خاندان حاکم و حفظ ثبات در این کشور است نه پذیرش ارزش‌های دموکراتیک (CDHR, 2015: 3).

۳- بررسی ادواری جامع شورای حقوق بشر در خصوص عربستان

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد مطابق سند تأسیسی خود (A/Res/60/251) دو دسته وظایف نظارتی را در زمینه حمایت از حقوق بشر و ارتقای آن در سراسر جهان به عهده دارد. یک دسته بررسی‌های دوره‌ای جهانی در مورد همه کشورها، دسته دیگر فوری و پیشگیرانه در موارد اضطراری نقض حقوق بشر. سازوکار بررسی جهانی بر اساس همکاری و مشارکت در یک گفت و گوی تعاملی با کشور تحت بررسی شکل گرفته و به عنوان تکمیل کننده فعالیت نهادهای معاهده‌ای و نه موازی با آنها عمل خواهد کرد (A/HRC/RES/5/1). در رویه ویژه مامورینی برای بررسی وضعیت حقوق بشر در کشورها یا سرزمین معین (ماموریت کشوری) یا پدیده مهم نقض حقوق بشر در جهان (ماموریت موضوعی) نظارت می‌کنند و در باره آنها توصیه، راهنمایی و گزارش علنی می‌دهند (ذاکریان و مختاری، ۱۳۹۴: ۶۶). وضعیت حقوق بشر عربستان از طریق دو سازوکار فوق مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۱ - بررسی ادواری عربستان در سال ۲۰۰۹

در نشست چهارم گروه کاری بررسی ادواری جهانی (U P R) از دوم تا سیزدهم فوریه ۲۰۰۹، وضعیت حقوق بشر در عربستان توسط اعضاء مورد بررسی قرار گرفت. تنوع و گستردگی موضوعات مطرح شده به لحاظ شکلی و محتوایی به اندازه ای بود که تقریباً همه عرصه های حقوق بشر اعم از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در برمی گرفت (خرازی، ۱۳۸۸: ۶۹). در این دوره ۵۳ توصیه از سوی دولت‌ها برای بهبود و ارتقای حقوق بشر مطرح شد.

مهمترین پیشنهادهای ارائه شده و پاسخ عربستان به شرح ذیل تقسیم بندی شده است.

۱- پذیرش اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (فرانسه).

۲- اصلاح قوانین داخلی برای تضمین برابری حقوق زن و مرد (شیلی، آلمان).

۳- اصلاح قوانین محاکمه و مجازات افراد زیر ۱۸ سال (آلمان و اتریش).

۴- عدم اعمال شکنجه و سایر رفتار غیر انسانی (کانادا).

۵- اجازه بازدید گزارشگران سازمان های حقوق بشر از کشور (نروژ).

عربستان در پاسخ به اعضای شورا تأکید کرد پیشنهادات را فقط تا حدی که با مقررات داخلی خود سازگار باشد خواهد پذیرفت و نه فراتر از آن (Human Rights Council, Report 2009). در ادامه، عدم تمایل خود را در پذیرش اساسنامه دیوان کیفری بین المللی اعلام کرد و با رد اتهامات به دفاع از خود پرداخت و اساساً منکر هرگونه شکنجه و رفتارهای غیر انسانی و محدود سازی مجازات اعدام به ویژه اعدام نوجوانان شد. دولت عربستان ضمن انتقاد شدید از شورا نسبت به حقوق زنان تأکید کرد. پیوستن به کنوانسیون هرگونه تبعیض علیه زنان را بدون حق شرط پذیرفتنی نمی داند. همچنین اعلام کرد که برحسب شرایط به برخی از سازمان‌ها مانند دیده بان حقوق بشر اجازه بازدید از کشور را داده است.

۲-۳- بررسی ادواری عربستان در سال ۲۰۱۳

در هفدهمین جلسه گروه کاری بررسی دوره ای جهانی (U P R) مساله حقوق بشر عربستان در دستور کار شورا قرار گرفت. در این جلسه گزارش موقت دبیرکل سازمان ملل

در خصوص وضعیت حقوق بشر عربستان ارائه شد. پس از آن کشورها به بیان دیدگاه‌های خود در مورد وضعیت حقوق بشر در عربستان پرداختند. در این دوره ۲۲۵ توصیه از سوی کشورها از جمله الحاق به معاهدات بین‌المللی (فرانسه)، گسترش فرهنگ حقوق بشر در درون مرزهای ملی (کوبا)، عدم تبعیض و خشونت خانگی (فرانسه)، همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و مبارزه با اشکال بردگی (شیلی)، حقوق کارگران مهاجر (شیلی)، اصلاحات قضایی و حقوقی (ایرلند)، حقوق زنان و کودکان (سوئیس) و کاهش مجازات بدنی و اعدام (برزیل) مطرح شده است. بررسی وضعیت کمی توصیه‌های ارائه شده در سال ۲۰۱۳ دو موضوع را روشن می‌کند. یکی اینکه علیرغم هم‌جنس بودن توصیه‌ها با دوره قبل، دولت‌های عضو شورا، اقدامات انجام شده از سوی عربستان در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ را در پاسخ به توصیه‌های ارائه شده در سال ۲۰۰۹ کافی و قانع‌کننده ندانسته‌اند (سادات اخوی و خدانشناس، ۱۳۹۴: ۶۹۸). و به تعیین گزارشگر ویژه در زمینه آزادی‌های مذهبی، خشونت علیه زنان، حقوق بشر مهاجران، فعالان حقوق بشر و آزادی اندیشه اقدام کردند.

۴- گزارش گزارشگران ویژه

یکی دیگر از مکانیسم‌های نظارتی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد رویه ویژه است. رویه ویژه شامل (گزارشگران ویژه) کارشناسان مستقل و اعضای گروه‌های کاری هستند که توسط دبیرکل سازمان ملل و یا شورای حقوق بشر تعیین می‌شوند و به صورت موردی یا در زمینه خاص مرتبط با حقوق بشر تحقیق و نظارت داشته و راهکارهایی در این خصوص پیشنهاد می‌دهند. از طریق رویه‌های ویژه، میزان تعهدات کشورها به معاهدات حقوق بشری مورد ارزیابی قرار گرفته و گزارش‌های تهیه شده توسط آنها نوعاً به عنوان اطلاعات قابل دسترس از سوی سایر سازوکارها مورد استفاده قرار می‌گیرد. از طرفی به هنگام وقوع نقض‌های فاحش حقوق بشر، این رویه‌های ویژه هستند که به کمک شورای حقوق بشر آمده و در گزارش‌های خود به موارد نقض‌های حقوق بشر می‌پردازند (Alfredsson, 2009: 188). گزارشگران ویژه غالباً مأموریت‌های حقیقت‌یابی در کشورها را برای تحقیق در خصوص موارد نقض حقوق بشر راهبری می‌کنند. آنها می‌

توانند از کشورهای بازدید کنند که قبلا اجازه بازدید گرفته باشند. جدا از ماموریت‌های حقیقت‌یابی، گزارشگران به طور معمول شکایت‌های قربانیان نقض حقوق بشر را مورد بررسی قرار می‌دهند و به محض این که اعتبار یک شکایت تأیید شد، یک نامه فوری به دولتی که متهم به نقض حقوق بشر است فرستاده می‌شود. از مزیت‌های ماموریت ویژه عدم محدودیت تحقیقی، مسافرت به کشورها و مشاهده موضوع مورد بحث از نزدیک است. شورای حقوق بشر از سال ۲۰۰۸ به دلایل نقض مکرر حقوق بشر در عربستان اقدام به تعیین گزارشگران کشوری و موضوعی در عربستان نموده است. مهم‌ترین موارد نقض حقوق بشر در عربستان که منجر به تعیین گزارشگران ویژه شده است عبارتند از:

۴-۱- آزادی مذهب

اسما جهانگیری گزارشگر ویژه حقوق بشر در زمینه آزادی مذهب و اعتقاد، ضمن بررسی دقیق وضعیت اقلیت‌ها در اولین گزارش خود در سال ۲۰۰۸ از دولت عربستان برای تحقق آزادیهای مشروع دینی، خواهان توجه جدی به قطعنامه ۶۳/۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل شد. همچنین در گزارش مفصل خود از وضعیت اسفبار شیعیان در استان‌های قطیف و احساء و دستگیری‌های فراقانونی شیعیان و ممنوعیت ترویج ابراز عقیده پرده برداشت. وی موضوع تبعیض بر اساس مذهب یا عقیده و تأثیر آن در بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مطرح کرد و طبق ماده ۴ اعلامیه محو کلیه اشکال تبعیض از دولت آل سعود خواست که تدابیری موثر برای پیشگیری و رفع تبعیض مبتنی بر باورها را در نظر بگیرد و استیفا از حقوق بشر و آزادیهای اساسی در همه زمینه‌ها برای اقلیت‌ها را به رسمیت بشناسد (Human rights council, Report, 2009, 183). جهانگیری بخش قابل توجهی از فعالیت تحقیقی خود را وقف تعیین زمینه و بسترهای تبعیض در جامعه عربستان کرد. مهم‌ترین دغدغه او تناقضات متناقض نمای سیاسی بود که جامعه عربستان از اوایل سده بیستم با آن مواجه بوده است. او به خوبی می‌دانست که عربستان گرچه به ظاهر تحت تأثیر شورا به جامعه در حال اصلاحات تبدیل شده، اما نهادهای حقوق

بشری قدرت مستقلی بدست نیاورده و در نتیجه جامعه از قدرت بلامنازع دولت در تمامی عرصه‌ها رنج می‌برد و حاکم، با آزادی‌های فردی و دموکراسی مخالف است.

۴-۲- رفع تبعیض و خشونت علیه زنان

یاکین آرتورک گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان بعد از بازدید و تحقیق میدانی از عربستان، گزارش مفصلی به شورای حقوق بشر ارائه داد. وی در گزارش خود آورده: متأسفانه زنان در کشور پادشاهی عربستان همچنان با تبعیض شدید مواجه هستند و این تبعیض را قانون و اقدامات دولت مورد حمایت قرار می‌دهد، از این رو زمانی که زنان در منزل مورد خشونت قرار می‌گیرند، دستگاه دولتی و غیردولتی قادر به حمایت از این قبیل زنان نیستند (A/HARC/11/16Add3, 2009). آرتورک در گزارشی دیگر اعلام کرد: متأسفانه آل سعود به خواسته‌ها و توصیه‌های شورا مبنی بر مبارزه با تبعیض علیه زنان که در گزارش سال ۲۰۰۸، تقدیم مقامات سعودی شده بود، توجه نکرده است، از این رو شورا از نبود نهادی که به مسائل زنان و برابری بین زن و مرد توجه داشته باشد ابراز نگرانی کرده است و با وجود صدور فرمانی از سوی شورای وزیران سعودی به شماره ۶۳ در سال ۲۰۰۷، که در برگیرنده تأسیس کمیته عالی برای رسیدگی به امور زنان بود تاکنون رسمیت پیدا نکرده است. گزارشگر ویژه در گزارش خود تأکید داشت و از دولت عربستان خواست تا برابری بین آحاد جامعه را در قانون اجرا و برابری جنسیتی بین زنان و مردان را محقق کند، به نظام سختگیرانه قیمومیت مردان و قوانین خشونت علیه زنان پایان داده و اعطای هویت کامل قانونی و اجرای توصیه‌های کمیته رفع تبعیض علیه زنان در سال ۲۰۰۸ را محقق سازد و تهمیدات لازم را در جهت هماهنگی با جامعه جهانی به عمل آورد و فرآیند اصلاح قانون را در دستور کار قرار دهد.

۴-۳- حقوق بشر مهاجران

جورج جی بوستامانته گزارشگر ویژه مهاجران در گزارش خود موارد متعددی از جمله نقض حقوق مهاجران در عربستان را بر شمرده و در ۱۹ اوت ۲۰۱۰ در گزارش خود بیان کرد که اطلاعات دریافتی نشان می‌دهد یک الگوی بهره‌کشی/ استثمار گسترده از کارگران

مهاجر در عربستان سعودی حاکم است. وی در این گزارش از نپرداختن دستمزد کافی، مصادره گذرنامه و دسترسی محدود کارگران به مراقبت‌های پزشکی تأکید می‌کند (Human rights council, Report of the migrants 2011). بوستامانته با ارسال پیامی به دولت عربستان خواستار همکاری بیشتر این کشور در راستای تأمین حداکثر مطالبات کارگران مهاجر، دسترسی آسانتر به اطلاعات مربوط به قوانین کار مصوب ۲۰۰۵ و ایجاد سازوکارهای دادخواهی برای کارگران مهاجر و تجدید نظر در باره بند ۷ قانون کار آن کشور و توسعه پوشش آن برای در برگرفتن کارگران مهاجر شد (خرازی، ۱۳۸۸: ۶۸). بوستامانته پاسخ دولت عربستان را مبنی بر این که حقوق کارگران در قانون کار عربستان تضمین شده است را ناکافی می‌داند و وضعیت پرداخت دستمزدها و ساعات کار اجباری را مغایر بند ۱ ماده ۴۰ و ماده ۶۱ قانون کار عنوان می‌کند. کارگران مهاجر ۸/۸ میلیون نفر یا در واقع یک سوم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. این کارگران اغلب با شرایط کار استثمارگراییانه مواجه اند؛ ۱۲ تا ۱۶ ساعت در روز کار بدون استراحت و با عدم دسترسی به غذای کافی کار می‌کنند (Human rights council, Report of the migrants 2011). گزارشگر ویژه ادامه امتناع عربستان از شناسایی حقوق کارگران به عنوان دخالت در امور داخلی و اخراج آنها با برچسب‌های سیاسی را باعث ناکامی تمامی تلاش‌ها برای اجرای حقوق بشر و پرداختن به نگرانی امنیتی از طریق رعایت هنجارهای حقوق بشری می‌داند. بوستامانته نتیجه می‌گیرد توسل به زور تا زمانی که راه حل‌های قانونی وجود دارد قابل توجیه نیست و این شرایط مغایر با روح هنجارهای بین‌المللی است. آل سعود در پاسخ به انتقادات، رسماً اعلام کرد تأسیس شورای کارگری با شرکت یک صد تن را در دستور کار قرار خواهد داد. دبیرکل سازمان بین‌المللی کار این اقدام عربستان را نقطه عطفی در تاریخ عربستان سعودی توصیف نمود (گلشن پژوه، ۱۳۸۸: ۲۴۴).

۴-۴- وضعیت فعالان حقوق بشر

مارگارت سکاگیا گزارشگر ویژه وضعیت مدافعان حقوق بشر، طی گزارشی در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۸ به موارد نقض فعالان حقوق بشر در عربستان پرداخت و در این گزارش

تأکید ویژه ای بر امنیت و حفاظت از فعالان حقوق بشر داشت. وی اذعان داشت از ده سال قبل تاکنون تخلفات انجام شده نسبت به نقض حقوق آنها کاهش نیافته است و ضمن توصیه به آل سعود دلیل عدم امنیت فعالان مدنی را تصلب سیاسی، فقدان قوانین قضایی مطابق با استانداردهای بین‌المللی، عدم پایبندی به تعهدات بین‌المللی، محرمانه بودن روند دادرسی ها و محدودیت های سیاسی دانست که در نهایت فعالان حقوق بشر را در شرایط نامطلوبی قرار داده است. سکاگیا، دولت عربستان را ملزم به ارائه اطلاعات در مورد انتقام گیری از مدافعین حقوق بشر کرده است. وی به دولت هشدار داد فعالیت مدافعین حقوق بشر را جرم تلقی نکرده و آنها را تروریست، مخالفان سیاسی و دشمنان دولت خطاب نکند. سکاگیا در آوریل ۲۰۱۱ توجه عربستان را به بند ۸ قطعنامه ۱۶/۲۳ شورای حقوق بشر معطوف می کند که بر اساس آن بازداشت های بلند مدت و بدون ملاقات در انفرادی یا در مکان های مخفی ممکن است ارتکاب رفتارهای غیر انسانی را تسهیل کند و تبعات جبران ناپذیری داشته باشد. همچنین گزارشگر ویژه دولت عربستان را ملزم به ارتقاء محیط امن و توانمند ساز برای مدافعین حقوق بشر و برسمیت شناختن نقش و کار مهم آنها کرده و خواستار رسیدگی به سلامت زندانیان و فعالان حقوق بشر و جبران خسارت کامل از بازداشت شدگان و پایبندی به تعهدات ناشی از پذیرش سازوکارهای بین المللی شد.

۴-۵- آزادی اندیشه و بیان

فرانک لارو گزارشگر ویژه آزادی بیان، در گزارشی طی سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ دولت عربستان را متهم به نقض آزادی بیان، عدم فعالیت احزاب سیاسی و انجام اصلاحات سیاسی کرد. لارو تأکید داشت نظام سعودی محدودیت ها و موانع بسیار زیادی را برای آزادی بیان و مطبوعات وضع می کند. مالکیت پخش و نشر محصولات رسانه ای را در اختیار دارد که به سانسور شدید منجر می شود و برای کنترل اطلاعات به مسدود کردن پایگاه های اینترنتی خاص نیز مبادرت می ورزد و از ورود برخی نشریات خارجی به علت انتشار مطالب انتقاد آمیز ممانعت می کند. لارو تصریح می کند که تعداد زیادی از نویسندگان و ژورنالیست ها به دلیل ابراز عقیده در معرض بازداشت و شکنجه قرار گرفته اند و حمایت از دگراندیشان در

مطبوعات جرم تلقی می‌شود. وی از دولت عربستان خواستار تضمین قضایی امن برای ابراز عقیده افراد شد تا آنها آزادانه و بدون ترس از آزار و اذیت، امکان ابراز اندیشه خود را داشته باشند (Human Rights Council, 2011).

۵- کارنامه عربستان نسبت به شورای حقوق بشر

ارزیابی عملکرد دولت عربستان در قبال تضمین حقوق بنیادین بشر به ویژه زنان و دختران، طی دو دهه اخیر همواره با اغماض و چشم پوشی نهاد های بین المللی مواجه بوده و با رویکرد انتقادی نهادهای مزبور به عملکرد برخی کشورهای اسلامی در حوزه زنان قابل قیاس نیست (صبوری، ۱۳۹۶: ۱). با این ملاحظه کلی، رژیم سعودی در راستای پاسخگویی به مطالبات نسل جوان و زنان و نیز با هدف همگامی با تحولات جهانی حقوق بشر، در دهه اخیر همواره تلاش کرده با اتخاذ گام‌های تدریجی از میزان آسیب پذیری خویش در برابر تغییرات افسار گسیخته بکاهد. این رویکرد تدریجی در تعامل با شورای حقوق بشر باعث شد اقدامات و اصلاحاتی در حوزه زنان اتفاق بیفتد. بنابه اذعان گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد در زمینه وضعیت حقوق زنان طی سالهای اخیر شاهد بروز برخی تحولات در ارتقای حقوق زنان در جامعه عربستان بوده ایم (A/HRC/11/6/add.3, 14 April 2009). پس از سال‌ها تلاش جدی، اصلاحات در عربستان بر حقوق زنان تمرکز یافت. علیرغم شرایط خاص حاکم بر جامعه عربستان سعودی و عمق سیطره تفکرات وهابی بر حاکمان این کشور، در فضای فشارهای حقوق بشری و در رابطه تضييع حقوق زنان، ملک عبدالله در سال ۲۰۰۱ دستور بازنگری قوانین و سنت های رایج در عربستان را داد و زنان سعودی اجازه یافتند در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مشارکت داشته باشند. اقدامی که از سوی فعالین حقوق بشر تغییری تاریخی قلمداد می‌شد.

۵-۱- مشارکت سیاسی زنان

نقطه عطف مشارکت زنان در جامعه عربستان با اقدامات ملک عبدالله در موافقت با دریافت کارت هویت عکس دار توسط زنان در سال ۲۰۰۱ آغاز (نجیب الریس، ۱۹۹۹: ۱۶۲) و سپس با تصویب حضور زنان در انتخابات شورای شهر در سال ۲۰۰۵ و سر انجام حق

نامزدی و رای دادن آنها در انتخابات شوراهای محلی به نقطه اوج خود رسید. انتخابات شهرداری ها به عنوان تجربه جدیدی بود که به زنان برای نخستین بار اجازه ورود در روند تصمیم سازی و اداره امور محلی داده شد. زنان در این انتخابات برای اولین بار شرکت کردند و توانستند مشارکت بالایی را برای خود ثبت کنند. میزان مشارکت زنان سعودی در این انتخابات برخلاف تصور رایج در این کشور بود، با وجود مشکلات و موانعی که نظام سعودی در مقابل مشارکت زنان در این انتخابات نهاده بود، اما گام نخست را زنان سعودی با اقتدار برداشتند و موفق شدند ۲۱ نفر از جامعه زنان عربستان را وارد شوراها کنند. میزان مشارکت زنان در کمیته‌های محلی در عربستان ۸۱.۶ درصد بود، یعنی ۱۳۰ هزار رای دهنده زن در انتخابات شرکت کردند. این یک دستاورد بی سابقه و بزرگ برای زنان سعودی به شمار می آید.

اقدام دیگر آل سعود مشارکت زنان در حوزه های مدیریتی بوده است. در فوریه ۲۰۰۱، یک زن به عنوان معاون وزیر و در ژوئن ۲۰۰۶، شش زن به عنوان اعضای شورای مجلس منصوب شدند. در سال ۲۰۱۰ تعداد زنان در مجلس مشورتی افزایش یافت. در حال حاضر ۳۰ کرسی از ۱۵۰ کرسی مجلس شورای عربستان را زنان تشکیل می دهند. بنا به گزارش گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد مشارکت سیاسی زنان در عربستان، اگر چه نرخ مشارکت زنان در سطوح سیاسی، بسیار محدود است ولی گشایش‌های تدریجی در افزایش حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و انتصاب آنها در انجام مسئولیت‌های دولتی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در سال ۲۰۱۷ وزارت خارجه عربستان فاطمه سالم باعشن را به عنوان سخنگوی عربستان در واشنگتن منصوب کرد.

۵-۲- افزایش مشارکت اقتصادی زنان

مشارکت زنان در بازار کار، بالغ بر ۱۰.۳ درصد در سال ۲۰۰۴ بوده و این نرخ در سال ۲۰۰۹ به ۱۴.۸ درصد رسیده است. میزان مشارکت زنان در اشتغال بخش عمومی به مراتب بیشتر از بخش خصوصی است. از این رو در وزارت آموزش و پرورش که بالاترین نرخ اشتغال زنان را دربر دارد بالغ بر ۸۰ درصد از کارمندان و در وزارت بهداشت و سلامت بالغ

بر ۵.۴ درصد از شاغلین را زنان تشکیل می دهند (A/HRC/11/Add3). سهم زنان از کارکنان آموزش عالی طی یک دهه اخیر از ۱ درصد به ۷ درصد رسیده است. دولت عربستان در گزارش خود به کارگروه گزارش های ادواری ملل متحد خاطر نشان کرده که در نظر دارد نرخ اشتغال زنان را به ۵۰ درصد برساند. اگرچه مستندات کافی درخصوص این ادعا ارائه نکرده ولی بعد ها آمارها و یافته‌هایی که نهادهای غیر دولتی در این رابطه ارائه کرده اند به مراتب نرخ کم و بیش مشابه زنان در اشتغال و کار را نشان می دهند. نگاهی به آمار ارائه شده نشان می دهد که دولت با اتکا به گفتمان خاص خود در مورد اشتغال زنان تلاش کرده تا زمینه مشارکت اقتصادی زنان را در بخش خصوصی فراهم آورد.

ملک سلمان با پذیرش سند ۲۰۳۰ به عنوان اسناد بالادستی قوانین و برنامه های خاصی برای ترغیب بخش خصوصی در جذب زنان در بازار کار ایجاد کرد. تدوین کنندگان چشم انداز می پذیرند که تحقق این سند نیازمند تغییرات ساختاری عمده ای است، از این رو دولت سعودی به صورت موازی مجموعه ای از برنامه‌ها شامل تحول ملی، خصوصی سازی خدمات دولتی و تقویت صندوق سرمایه گذاری عمومی را در دستور کار قرار داد. برنامه تحول ملی که در سال ۲۰۱۷ تصویب شد دارای جزئیات بیشتری در بخش اشتغال زنان است. دولت به منظور تقویت بخش خصوصی اقداماتی چون پرداخت تسهیلات بانکی، حمایت از شرکت های کوچک و متوسط و اعطای مجوز های کسب و کار به زنان، عملاً بخش خصوصی عربستان را وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود کرده است. این برنامه‌ها با قدرت گیری محمد بن سلمان به نحوی تشدید شد که زنان برای نخستین بار به تنهایی مجوز اقتصادی برای ایجاد کارهای تولیدی را دریافت کرده اند. بررسی سند طرح تحول ملی عربستان نشان می دهد که تصمیم گیران این کشور معتقد به امکان بهره گیری از ظرفیت ۵۰ درصدی زنان در امر تولید و اشتغال هستند که این امر از یک طرف باعث کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در آینده و از طرف دیگر کاهش هزینه و تنش های فزاینده برای ثبات حکومت خواهد شد. به باور محمد بن سلمان سیاست های خصمانه نسبت به حقوق زنان نه تنها به کاهش مطالبات زنان و حل مشکلات داخلی و خارجی

کمکی نکرد، بلکه ادامه این سیاست‌ها خود عاملی برای باز تولید مطالبات زنان در آینده خواهد شد.

بن سلمان در مصاحبه با شبکه العربیه تأکید کرد: قوای حاکم و بسیاری از نهاد های داخلی دیگر نمی‌توانند مفاهیم حقوق و قوانین داخلی مطابق با مرز های ملی تعریف و تدوین کنند. فعالیت چند بعدی شورای حقوق بشر امکان گریز و عدم همکاری کشور ها را کاهش داده و آثار غیر قابل جبرانی برای کشور ها به بار خواهد آورد. وی از زوایه فرصت محور تلاش و عزم با برنامه ای در همکاری با نهاد های بین المللی و تلاش در جهت تأمین خواسته های نهاد های حقوق بشر را انجام داده است تا از یک طرف به کسب مشروعیت جمعی و جلوگیری از شکل گیری صف بندی های جدید در درون و از طرف دیگر به اخذ حمایت های بین المللی در برون دست یابد.

۵-۳- حق آموزش زنان

مهم ترین موارد حقوق بشر زنان در کشور عربستان که از دیدگاه گزارشگر ویژه ارتقاء و بهبود نسبی پیدا کرده، حق آموزش زنان است. از زمان مجاز شدن آموزش و پرورش در مدارس برای دختران از سال ۱۹۵۶، نرخ بیسوادی زنان کاهش یافته و تا سال ۲۰۰۶، بالغ بر ۷۶.۶ درصد از دختران بالای ۱۵ سال دارای سواد شده اند و این نرخ در مقایسه با مردان که بالغ بر ۸۸.۶ درصد است، حائز اهمیت است؛ این در حالی است که نرخ سواد آموزی در سنین پایین تر (۱۵ تا ۲۴ سال) برای زنان ۹۵.۵ و برای مردان ۹۷.۷ درصد است. اکنون بنا به گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، زنان و دختران از حق آموزش و پرورش به طور کامل برخوردارند و هیچ مانعی در زمینه استیفای حق آموزش و پرورش آنان در مقطع دبستان و راهنمایی وجود ندارد. در سال ۲۰۰۴ یک مصوبه دولتی وضع شد که به موجب آن، آموزش و پرورش در مقطع ابتدایی برای تمام افراد ۶ تا ۱۵ سال اجباری شده است. اکنون در مقطع دبستان ۵۱/۴ درصد از دانش آموزان را دختر و ۴۸/۶ درصد را پسر تشکیل می دهند این آمار فزاینده در باره رشد سواد دختران می تواند تغییر و تحولات مثبت در زمینه آموزش و پرورش باشد. به تناسب نرخ سوادآموزی و استیفای حق آموزش و

پرورش، نرخ ازدواج زود هنگام دختران نیز کاهش یافته است، (A/HRC/11/6Add.3, para.15) در سال ۲۰۱۴ دولت در برنامه اصلاحی در جهت تنوع بخشی به آموزش و جلوگیری از مهاجرت خانواده‌ها برای تحصیلات فرزندان، کمک ۸۰ میلیارد ریالی به بخش آموزش و پرورش اختصاص داد (Reuters, 2014) و کمیته ای را برای تطبیق قوانین حاکم بر آموزش و پرورش با کنوانسیون‌های فرهنگی تشکیل داد. بنا به گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد ایجاد مقاطع تحصیلات تکمیلی و لغو کلیه محدودیت‌های مدارس و کالج‌های ویژه دخترانه در شهرهای ریاض، جدّه، مکه و مدینه مورد استقبال شهروندان قرار گرفت و دانشکده‌هایی در شهر مدینه ایجاد شد که دختران و پسران در رشته‌هایی چون ریاضیات، پزشکی و علوم انسانی تحصیل می‌کنند. دانشگاه ام القرا در مکه به زنان اجازه داد که در تمام رشته‌های تحصیلی به تحصیل بپردازند (شکوه، ۱۳۹۱: ۲۸۲). در سال ۲۰۱۶ زنان ۴۹ درصد از کل ثبت نام‌های دوره کارشناسی را به خود اختصاص داده‌اند.

۵-۴- سیاست‌های ارتقای زنان در آموزش عالی

نظام آموزشی در عربستان سعودی بر انتقال هنجارهای فرهنگی و اجتماعی مورد نظر رژیم پادشاهی تأکید داشت و دولت حق نظارت و کنترل در مورد سیاست‌های آموزشی را به علما واگذار کرده بود تا از این طریق، نفوذ قوی تعلیمات سنتی را در برنامه‌های آموزشی تضمین نماید. بنابراین در نظام آموزشی عربستان نه تنها هدف از آموزش ایجاد تقویت روحیه سنتی در افراد بود بلکه محدودیت‌هایی در آشنایی با فرهنگ و اعتقادات بیگانه هم وجود داشت (Riyadh, 2008: 4). این روند با آغاز پادشاهی ملک عبدالله تغییر جهت داده و مطابق با استاندارد‌های بین‌المللی و سیستم‌های آموزشی مدرن شد. الگوهای جدید و انجام اصلاحات نوسازانه، تغییر در وضعیت زنان را ضروری کرد و زمینه گسست از گفتمان پیشین را فراهم آورد. مهمترین اقدامات این دولت در این زمینه که بسیار تأثیر گذار بوده، دگرگونی در نظام آموزش بود. گسترش نظام آموزشی منجر به افزایش سطح سواد به طور عام و در جامعه زنان به طور ویژه شد. به این ترتیب مدارس و دانشگاه‌های تحت کنترل نظام سنتی که شکل عمده تحصیل در عربستان بود، اهمیت خود را از دست داد و نوعی

همگونی و هم‌رنگی هنجارهای آموزشی بر جامعه عربستان تحمیل نمود. به طوری که با واکنش تند سلفی‌های تندرو و دیدگاه سنتی روبرو شد. این دولت علیرغم همه چالش‌های داخلی تحرکات جدیدی از خود نشان داد که مهم‌ترین آن لغو محدودیت‌های تحصیلی برای زنان بود. در سال ۲۰۰۷ نخستین زن مجاز به تحصیل در رشته حقوق شد (Meijer, 2010) و برای نخستین بار زنان برای کسب مدرک کارشناسی ارشد باستان‌شناسی ثبت نام کردند (Al-sudiry, 2017). تأسیس نخستین دانشگاه مختلط در شهر ثول طائف در سال ۲۰۰۹ و افتتاح دارالحکم اولین کالج برای زنان در زمینه علوم انسانی و طب را می‌توان از دیگر اقدامات اصلاحی ملک عبدالله به شمار آورد. دانشگاه عبدالرحمان یکی از بزرگترین دانشگاه‌های تخصصی زنان با هفتاد بیمارستان و پانزده کالج در پزشکی است که در سال ۲۰۱۰ افتتاح گردید (نجفی، ۱۳۹۱: ۱۲).

ملک سلمان، در تعقیب سیاست‌های سلف خود متولیان نظام آموزشی را نسبت به ارتقای آموزش زنان تحت فشار قرار داد و دستورالعمل‌های زیادی را با استفاده از کارشناسان خارجی صادر کرده است. دولت وی سعی کرد برای روز آمد کردن و همکاری با توصیه‌های شورای حقوق بشر و در پیوند با الگوهای مدرن غربی، چهره‌ای تازه از خود نشان دهد و کمک نمود تا جایگاهی را برای زنان در بین منازعات گوناگون پیدا کند و تنها راه آن را توانمندسازی زنان از طریق کسب علم در دانشگاه دانست و معتقد است با افزایش آگاهی‌ها و گسترش آموزش عالی دیگر نمی‌توان زنان را در حاشیه مناسبات سیاسی و اجتماعی نگه داشت. به همین خاطر مهم‌ترین تغییرات در باره زنان در قالب برنامه‌های اصلاحی دولت رخ داد. متعاقب اقدامات دولت‌های پیشین، ملک سلمان ارتباط میان دانشگاه‌های عربستان با دانشگاه‌های آمریکا و سپس تغییر و تحول در سرفصل‌های نظام آموزشی را به مرحله اجرا درآورد و ۵ درصد بودجه تحصیلی را برای زنان افزایش داد و تعداد دانشجویان بورسیه در آمریکا (۵۰ هزار) که بیش از نیمی از آنها که زنان تشکیل می‌دهند را افزایش داد. همچنین لغو تبعیض علیه ادامه تحصیل زنان و ضرورت قانونمند کردن دوره‌های آموزشی را تصویب کرد، قانون خروج زنان همراه با قیام برای ادامه تحصیل را

اصلاح کرد، ممنوعیت همکاری زنان و مردان در محیط آموزشی را لغو و سفرهای علمی دانشجویان زن و مرد را قانونمند کرد و برای اولین بار تعدادی کالج های عمومی و خصوصی برای زنان تأسیس کرد.

۵-۵- سهم زنان در مدیریت آموزش عالی

طی یک دهه گذشته جامعه زنان در عرصه آموزش عالی تحولات زیادی را از سرگذرانده و با افزایش آگاهی ها و گسترش آموزش عالی، توانمندی خود را ارتقا داده اند. دسترسی سریع و آسان زنان به سواد و تحصیلات عالی، حکام عربستان را وادار ساخت تا از مواضع محافظه کارانه پیشین عدول کرده، منزلت و شأن اجتماعی زنان را بپذیرند. زنان عربستان با تلاش و همسو شدن با فشارهای شورای حقوق بشر و رسانه ها دستاوردهای محدود اما مهمی بدست آوردند که از مهم ترین آنها مشارکت زنان در مدیریت آموزشی در کالج ها و دانشگاه های زنانه است (اسدی، ۱۳۹۱:۲۲۱). دولت عربستان با توان مالی خود که از درآمدهای نفتی حاصل می گردد، دانشگاه ها و اماکن آموزشی متناسب تأسیس نموده است. ملک عبدالله در تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۰۹ سهم مدیریت زنان را در مدیریت آموزش عالی ارتقا داد. تعهد پادشاه به ارتقا حقوق زنان باعث شد که زنان از مرز های خود که قبلاً فقط برای مردان طراحی شده بود عبور کنند. گرچه هنوز مدیریت زنان در آموزش عالی محدود است، ولی انتصاب نخستین زن به معاونت آموزش عالی در سال ۲۰۱۰ نقطه عطف مهمی در ورود زنان در مدیریت دانشگاه ها بود. بر اساس گزارش های وزارت علوم عربستان تعداد اساتید زن از ۴۷۰۰ در سال ۲۰۰۴ به ۱۹۶۰۰ نفر در سال ۲۰۰۹ افزایش یافت.

جدول ۱- مدیریت زنان در آموزش عالی

مردان	زنان	پست
33(3%)	1(3.1%)	مدیریت دانشگاه
128(9.3%)	12	مشاور پادشاه
330(18.4%)	61	ریاست
542(42%)	228	معاون دانشکده
1033(29.2%)	302	کل

Report Ministry of Education 2017

۵-۶- رشد حقوق زنان در چهارچوب هنجارهای بین المللی

در دوران ملک عبدالله پادشاه وقت عربستان نشانه‌هایی از اصلاحات و تغییر در مطالبات سیاسی، اجتماعی و مفهوم شهروندی مشاهده شده است (سمیعی اصفهانی و رجایی، ۱۳۹۴: ۱۵۴). پادشاه در نخستین سال سلطنتش با صدور فرمان انتخابات شورای محلی امیدواری‌هایی را در زمینه ایجاد حداقل‌های مشارکت زنان و شهروندان سعودی به وجود آورد و با روندی به غایت تند و فرسایشی در جهت تحقق وعده‌ها و برنامه‌های اعلامی حرکت کرد تا جایی که حدود یک دهه طول کشید تا زنان به شوراهای محلی به عنوان نهادهایی با کمترین میزان اختیارات راه یابند. اقدام مذکور و اقدامات اصلاحی ملک عبدالله از جمله ملغی اعلام کردن ولایت مردان بر زنان در سال ۲۰۰۸ و تأسیس نخستین دانشگاه بدون تفکیک جنسیتی در شهر ثول طائف در سال ۲۰۰۹ و افتتاح رستوران‌های مختلط که علیرغم نارضایتی دستگاه مذهبی، با استقبال مردم روبرو شد، نشان دهنده آن است که آل سعود همواره به دنبال تحکیم جایگاه خود در جامعه سعودی است و بر اساس آن حرکت می‌کند. لذا سعودی‌ها جایگاه خود را با معیار دوری و نزدیکی به جامعه عربستان می‌سنجند و نه الزاما با علمای وهابی.

با مرگ ملک عبدالله در ابتدای ۲۰۱۵ میلادی و پادشاهی ملک سلمان، بسیاری از تحلیلگران و ناظران تحولات این کشور، از پایان دوره ده ساله اصلاحات کند و کم رمق و حاکمیت مجدد دیدگاه سنتی بر راس هرم قدرت در ریاض سخن گفتند (روزنامه اطلاعات ۹۶/۱۱/۲۴). با توجه به فاصله زمانی حدود ۲۳ ساله که از صدور فرمان تشکیل مجلس مشورتی در دوره ملک فهد تا روی کار آمدن ملک سلمان می‌گذشت همگان پیشرفت آل-سعود را در زمینه گسترش حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی ناچیز و حتی قابل چشم پوشی می‌دانستند. نکته مهمتر اینکه رویکردهای محافظه‌کارانه و سنتی تر سلمان نسبت به سلف وی باعث می‌شد بسیاری امید به ایجاد اصلاحات در عربستان را از دسته رفته ببینند. اما در سال ۲۰۱۷ تحولاتی چشم گیر در صحنه داخلی عربستان بوقوع پیوست که بدیع بودن این تحولات و تبلیغات فراوان و حمایت غرب بخصوص شورای حقوق بشر بر

چشمگیری آن افزود. تصمیمات پی در پی در زمینه حقوق زنان، کودکان، اقلیت ها و برداشتن تنگناهای مدنی و حتی مراقبت های پزشکی و دهها مورد دیگر، گشایش جدیدی به روی جامعه عربستان بود. ملک سلمان در نطق تلویزیونی اظهار داشت که ادامه دهنده سیاست ملک عبدالله خواهد بود، اما به نظر می رسد عمل گراتر از پادشاه پیشین باشد. براساس اسناد ویکلیکس وی معتقد است اگر چه دموکراسی و حاکمیت مردم چندان با جامعه محافظه کار عربستان سازگاری ندارد ولی قصد دارد راهی که ملک عبدالله در زمینه سیاسی و اجتماعی، در این کشور آغاز نموده را با روندی رادیکالی تر ادامه دهد.

ملک سلمان برای حفظ امنیت و ثبات سیاسی و اجتماعی، تحولات حقوق بشری را در مرکز توجه قرار داد. نخستین نشانه های تغییر در سیاست حقوق بشری ملک سلمان انتخاب شاهزاده محمد در مقام ولایعهدی بود تا از این طریق تغییرات سریعی را در دولت و جامعه سعودی ایجاد کند، اقداماتی که پدر و عموهایش حتی قادر به اجرای تدریجی آن نشده بودند. بن سلمان برای همگرایی با طیف متنوعی از کنشگران ذی نفوذ و تداوم ایفای نقش محوری خود و تغییر چهره حقوق بشری عربستان، طی سفر به امریکا تمایل دولت سلمان برای همکاری بیشتر با موضوع حقوق بشری صرف نظر از اختلافات داخلی را نشان داد. دونالد ترامپ و ایوانکا ترامپ در دیداری که از ریاض داشتند در رابطه با ایجاد دفتر توانمندسازی زنان در راستای ارتقای فرهنگ حقوق بشری به گونه ای که نتایج مشخص داشته باشد، توافق کردند.

جدول ۲- قوانین تصویب شده در حمایت از زنان در دوره ملک عبدالله

قانون	سال	نتیجه
پیوستن کامل به کنوانسیون حقوق زنان	۲۰۰۶	ارائه گزارش به شورای حقوق بشر
تأسیس انجمن حقوق بشر زنان	۲۰۰۶	عضویت زنان در شهرها به این انجمن
صدور کارت شناسایی برای زنان	۲۰۰۶	زنان دارای کارت شناسایی شدند
مشارکت زنان در مدیریت	۲۰۱۰	نوری فایزه معاون وزیر آموزش و پرورش شد
منع خشونت علیه زنان	۲۰۱۳	اعطای کمک های پزشکی و خدمات پناهندگی
اجازه حق وکالت و قضاوت به زنان	۲۰۱۴	لیوان الزهران مجوز قضاوت دریافت کرد

جدول ۳- قوانین تصویب شده در حمایت از حقوق زنان در دوره ملک سلمان

۲۰۱۷	انتخاب اولین زن در مقام رئیس بورس	۱
۲۰۱۷	اجازه رانندگی بدون نیاز به اجازه یا حضور قیم	۲
۲۰۱۸	ورود به ورزشگاه و کنسرت	۳
۲۰۱۸	اجازه دریافت مجوز کسب و کار	۴
۲۰۱۸	ارتقای شغلی (وکالت)	۵
۲۰۱۸	صدور فتوا	۶
۲۰۱۸	استخدام در ارتش	۷

۵-۷- اقدامات اصلاحی در دستگاه قضایی

در اکتبر ۲۰۰۷، ملک عبدالله ارزیابی جامع نظام قضایی را اعلام و قوانین جدیدی را برای تنظیم و یکپارچه سازی نظام قضایی و دادگاه تجدید نظر صادر کرد و بودجه هفت میلیارد ریالی برای اصلاحات در این بخش تخصیص یافت (اسدی، ۱۳۹۱: ۲۱۶). یک دادگاه عالی برای نظارت بر اجرای شریعت وهابی و نیز قوانین صادره از سوی پادشاه و همچنین دادگاه های خاصی برای دعاوی در امور تجاری، کار و سرمایه گذاری ایجاد شد و قوانین جدید جایگزین قوانینی شد که بیش از سی سال در مورد نظام قضایی و بیش از ۲۵ سال برای هیئت شکایات و اعتراض در حال اجرا بود. اصلاحات قضایی اعمال شده تا حدی دسترسی زنان به عدالت را فراهم کرد، از جمله مهم ترین آنها تشکیل دادگاه هایی برای رسیدگی به مسائل مربوط به خانواده و تأسیس بخش زنان در دادگاهها و دفاتر اسناد رسمی بود (سادات اخوی و خدشناس، ۱۳۹۴: ۷۰۵).

در ابتدای سال ۲۰۰۹، طرح پنج ساله ملک عبدالله برای توسعه نظام قضایی در قالب راهبردی بیست ساله اعلام گردید (Echague & Burke, 2009, 6). وی در چهارچوب

این تغییرات رئیس شورای عالی قضایی را به همراه شش تن از اعضای ارشد هیئت فتوا برکنار کرد. این اصلاحات ملک عبدالله دامن شماری از وزیران وزارت خانه‌های دیگر را گرفت و موجب شد یک زن برای اولین بار در مقام معاون وزیر آموزش این کشور در امور زنان منصوب شود. در همین راستا دولت عربستان موافقت خود را با تشکیل دو سازمان حقوق بشری اعلام کرد. همچنین از تعدادی سندیکای حرفه ای حمایت کرد و به زنان اجازه داد به عنوان فعال سیاسی در هیئت مدیره این سندیکاها مشارکت کنند. ملک عبدالله در اقدامی بی سابقه و با تبلیغات فراوان تغییرات زیادی در مدیریت بخش های آموزش قضایی بوجود آورد. در پی این اصلاحات زنان اجازه تحصیل در رشته حقوق و کسب شغل وکالت را پیدا کردند. در سال ۲۰۱۰ دولت اعلام کرد وکلای زنان می توانند در دادگاه های خانواده وکیل زنان باشند و در سال ۲۰۱۱ طی اقدامی پیشگیرانه نسبت به جنبش های مدنی، اروا الجحیلی اولین حقوق دان زن دریافت کننده مجوز رسمی از وزارت دادگستری بود.

ملک سلمان در پاسخ به توصیه های شورای حقوق بشر در گزارش های ادواری، اصلاحات قضایی ذیل را انجام داده است.

الف: منع تبعیض در استخدام و اشتغال زنان، مطابق اصل ۲۴ اعلامیه حقوق بشر.
ب: حذف تدریجی تفکیک شغلی و شکاف درآمدی مبتنی بر جنسیت با افزایش فرصت شغلی برای زنان.

ت: تدوین راهبردهایی به منظور افزایش مشارکت زنان در مدیریت.

ث: اصلاح قوانین مربوط به رضایت و امنیت شغلی مطابق بند سوم ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

ج: اصلاح قوانین مربوط به کار کارگران مهاجر (فرمان سلطنتی شماره ۱۸ در ۲۵ مارس ۲۰۱۵).

چ: اصلاح قوانین حمایت از کودکان کار (فرمان سلطنتی دسامبر ۲۰۱۶). باید سیستمی ایجاد شود که از کار کودکان سوءاستفاده نشود.

نتیجه گیری

مقاله پیش رو کوشید تا تأثیر شورای حقوق بشر را به عنوان یک متغیر مستقل و حاکمیت عربستان را به عنوان متغیر وابسته مورد سنجش و واکاوی قرار دهد. مطالعات انجام شده نویسندگان را بدین نتیجه رهنمون ساخته که حفظ و ارتقاء حقوق زنان نه صرفاً در پاسخ به مطالبات داخلی بلکه واکنشی و همراه با نیازها و حساسیت های جامعه جهانی بوده است. رأی مثبت و عضویت در شورا، عربستان را از یک طرف با محدودیت های حاکمیتی در داخل و خارج رو برو ساخته و این کشور را ملزم به پذیرش اقتضائات همکاری با طیف متنوعی از کنشگران ذی نفوذ در چهارچوب سازوکارهای نظارتی و مکانیسم های اجرایی کرده است و از طرف دیگر توانسته بود تا حدودی از اجماع جهانی علیه خود جلوگیری نماید.

جمع بندی ادواری از دو دوره ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ شورای حقوق بشر نشان از آن دارد که کلیه کشورها از وضعیت اسفبار حقوق بشر در عربستان آگاهی دارند و سعی نموده اند با ارائه پیشنهادهایی به این کشور مانع ادامه روند بی عدالتی نسبت به حقوق زنان در عربستان شوند. تلاش ها و فشارهای شورای حقوق بشر، حکام سعودی را وادار کرده تا از مواضع محافظه کارانه پیشین عدول کرده، منزلت و شأن اجتماعی زنان را بپذیرند. در همین راستا ملک عبدالله تلاش کرده تا ضمن همگامی و همراهی با دگرگونی های محیط بیرونی و تحولات بین المللی اثرگذار بر جامعه سعودی فاصله خود را با این جامعه سنتی تقلیل داده، با عمل بر اساس واقعیت جامعه سعودی جایگاه خود را با انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی، اصلاحات در نظام قضایی، تأسیس سازمان مستقل حقوق بشری، تقویت نظام مشاوره، پیوستن به کنوانسیون تبعیض علیه زنان، دریافت شناسنامه و کارت هویت مستقل و کاندیدا شدن زنان در انتخابات شهرداری ها حفظ کند و ملک سلمان ضمن تعامل با دستگاه نیرومند مذهبی (وهابی) و شورای حقوق بشر با انجام تعهدات و پاسخگویی به مطالبات زنان مانند افزایش سهم زنان در مدیریت، اصلاح مقررات دولتی برای ورود زنان به عرصه های اجتماعی، افتتاح حساب بانکی، مشارکت اقتصادی، استخدام در ارتش وقوه

قضایه، صدور فتوا، اجازه راندگی، اصلاح قوانین مربوط به کارگران مهاجر و منع تبعیض در استخدام زنان، دولت عربستان را وارد مرحله جدیدی از انجام تعهدات خویش کرده است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که اولاً ارائه توصیه های کشورها درقبال گزارش- های ادواری و تعیین گزارشگران ویژه اثر گذاری قابل قبول تری بر ارتقاء وضعیت حقوق زنان داشته، ثانیاً بافت سنتی که بر تار و پود فکری و اندیشه مردم و مسئولین جامعه تنیده شده بود و مانعی جدی بر احقاق حقوق زنان محسوب می شد در حال بازسازی است و ثالثاً تلاش زنان و همسو شدن آنها با فشارهای شورای حقوق بشر و رسانه ها پایه گذار نظم نوینی شده که مشخصه آن تغییر نظام جنسیتی خواهد بود.

منابع:

- احمدیان، حسن (۱۳۹۱)، **دین و دولت در عربستان سعودی: از دولت وهابی تا وهابیت دولتی**، کتاب خاورمیانه ۹ ویژه مسائل داخلی عربستان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۱)، **اصلاحات و قدرت سیاسی در عربستان**، کتاب خاورمیانه ۹ ویژه مسائل داخلی عربستان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- جکسون رابرت، گئورگ سورنسون (۱۳۸۵)، **درآمدی بر روابط بین الملل**، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده و حسن سعیدکلاهی، تهران: نشر میزان.
- رحمانیان، حسین، (۱۳۹۱)، **تبارشناسی شخصیت های وهابی عربستان، کتاب خاورمیانه ۹ ویژه مسائل داخلی عربستان**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- شکوه، حسن (۱۳۹۱)، **"درآمدی بر تحولات اقتصاد سیاسی در عربستان سعودی"**، کتاب خاورمیانه ۹ ویژه مسائل داخلی عربستان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- ظریف، محمدجواد و سجادپور، کاظم (۱۳۹۵)، **دیپلماسی چندجانبه**، تهران: مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی.
- عنایتی، علیرضا و راکی، داود (۱۳۹۱)، **پایه های مشروعیت سیاسی در عربستان و نقاط قوت و ضعف آن**، کتاب خاورمیانه ۹ ویژه مسائل داخلی عربستان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۸)، **حقوق بشر در جهان (روندها، موردها و واکنش ها)**، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)، **تحول در نظریه روابط بین الملل**، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- نجفی، نگار (۱۳۹۱)، **دشواری ها و دستاوردهای زنان عربستان در آموزش**، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

- بزرگمهری، مجید و جان نثار ملکوتی، حمید (۱۳۹۵)، "عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل نسبت به اسرائیل"، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نوزدهم، شماره اول.
- خرازی، فردین (۱۳۸۸)، "بررسی تطبیقی گزارش های دوره ای عربستان سعودی و کانادا در شورای حقوق بشر"، *پژوهشنامه روابط بین الملل*، شماره ۴۴.
- ذاکریان، مهدی و مختاری، بهروز (۱۳۹۴)، "تحلیل عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سازوکار و رویه های ویژه بر افزایش احترام به حقوق بشر"، *فصلنامه سازمان های بین المللی*، (۳) ۲.
- سادات اخوی، سیدعلی و خدائشناس، عباس (۱۳۹۴)، "شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و وضعیت حقوق بشر در عربستان"، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، (۴۵) ۴.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و رجایی محمدصادق (۱۳۹۴)، "تبیین سازوکارهای باز تولید سلطه پادشاهی سعودی در پرتو بهار عربی"، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره چهارم، شماره ۲.
- صبوری، مهدیار (۱۳۹۶)، "وضعیت حقوق بشر زنان عربستان"، *پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان*، ۲۶ دی ماه ۱۳۹۶.
- مصفا، نسرين و ابراهیمی، نبی الله (۱۳۸۷)، جایگاه حقوق بشر در نظریه های روابط بین الملل، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۳۸، شماره ۴.
- *روزنامه اطلاعات*، ۲۴ دی ماه ۹۶.
- گزارشی از وضعیت کار زنان در عربستان سعودی، *شبکه العالم*، ۴ آبان ۱۳۸۸.
- ریاض، نجیب الریس (۱۹۹۸)، *رياح الشمال: السعوديه و الخليج و العرب في العالم التسعينات*، الطبع الثالثه، بيروت: رياض الريس للكتب و النشر.
- Alfredsson, Gudmudur, Grimhedden, Jonasa & Ramshorn, Bertrand G. (2009), *International Human Rights Monitoring Mechanisms*: Essays in Honor of Jakobe the Moller, Leiden: Martinus Nijhoff publishers.
- AL-Rasheed, Modawi (2011), *Contesting the Saudi State: Islamic voices from a new Generation*, Cambridge s University press.

- AL-Rasheed, Madawi, and Maha Azzam (2012). *The Prospects and limits of women's Mobilization in Saudi Arabia*. London: Chatham House.
- Al-Sudairy, Hend T.(2017). *Modern Woman in the King of Saudi Arabia; Rights, Challenges and Achievements*. Newcacasle-upon-tyne: Cambridge Scholars publishing.
- Buzan, B. (2004), *From international society to world society*, English School Theory and social structure of Globalisation.
- Echague, Ana & Edward, Burk (2009), *Strong Foundation?* The Imperative for reform in Saudi Arabia, (FRIDE).
- Elmadi, Abdulah, (2004), **Indo-Saudi Relation 1947-19970: Domestic Concerns and Foreign Relation**, Ph.D thesis, Exeter University.
- Adler, Manual (1997), Seizing the middle Ground; constructivism in world politics, *European Journal of international relations*, Vol, 6.
- Amnesty international urgent action, Reformists kept in prison, *UA 10/13(index: MDE23/014/2013, 24 April 2014*.
- Amnesty international, (2009), world report: "Saudi Arabia," <http://www.amnesty.org/en/region/Saudi-arabia/report,2009,08/12/2014>.
- Bustamante. Addendum (17 May 2011), Communications to and from Government, **UN Doc, A/HRC/17/33Add.1**.
- Deleanty, Gerard (2000), A Constructivism in international Relation, *European Journal of international relatinnns*, Vol, 6.
- Goraney, Cynthia (2016), the changing face of Saudi woman. *Notational Geographic* February 110-33.
- Hamdan, Amani (2005), Woman and education in Saudi Arabia: challenges and Achievements. *International Education Journal*, Vol, 6.
- Human Rights Council, report of the working on the Universal Periodic Review-Saudi Arabian **Doc, A/HRC/11/23**, 4 March 2009, para.1.
- Human Rights Council, report of the special Rapporteur on the Human Rights of migrants, Jorge Bustamante. Addendum;

communications to and from Governments, *UN Doc, A/HRC/17/33Add.1*, 17 May 2011, para296.

- Human Rights Council, report of the working on the Universal Periodic Review-Saudi *Arabian Doc, A/HRC/11/23, 4 March 2009, para.*
- Reuters. 2014. Saudi Arabia approves \$21 bin five-year Education Plan-SPA Available online: [http. //www. Reuter's .com](http://www.Reuter's.com).
- Riyadh. A (2008), Saudi Arabia and Reform in the Arab Word, www.saudiembassy.net.
- Sajedi, Amir (2018), Human Rights and Citizen Rights on the Opinion of the Middle Eastern Islamic States, **Political Studies of Islamic World**, Vol. 6, No. 24, Winter 2018.

- اسناد

- **A/RES/60/251.**
- **Center for Democracy and Human Rights in Saudi Arabia.**
- <http://www.ohchr.org/en/countries>.
- <http://www.neddains.com/index.php>
- **A/HRC/11/6/add.3, 14 April 2009**
- **A/HRC/22/53/Add. 12 March 2013.**
- **A/HRC/19/61/Add.4, 29 February 2012.**
- **A/HRC/28/68/Add.1, 5 March 2015.**